

نگاهی تطبیقی تحلیلی به تفاوت‌ها و شباهت‌های ادبیات ایران و فرانسه در ده سال انقلاب دو کشور (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ هجری شمسی و ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۹ میلادی)

دکتر رمضانعلی واشقانی فراهانی*

چکیده

در مقاله حاضر به مقایسه و تحلیل نقاط اشتراک و افتراق ادبیات انقلاب اسلامی در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ با ادبیات انقلاب فرانسه در فاصله زمانی سال‌های ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۹ پرداخته‌ایم و بر آن بوده‌ایم که فضای کلی ادبیات ایران و فرانسه را در دوره‌های مذکور به اجمال بررسی کنیم. در بررسی‌های انجام شده این نتیجه حاصل آمد که شعر انقلاب اسلامی گام‌های مؤثری برداشته و بر ذهن و روح مردم تأثیرات بیشتری گذاشته است تا سایر انواع ادبیات. هم‌چنین ضمن برشماری ویژگی‌های ادبیات انقلاب ضرورت رویکرد علمی و ادبی به ادبیات انقلاب اسلامی به ویژه جهت معرفی آنها به ادبیات جهانی مورد تأکید واقع شده است.

واژه‌های کلیدی

ادبیات انقلاب ایران، ادبیات انقلاب فرانسه، وقایع نگاری، داستان کوتاه، رمان انقلاب، شعر انقلاب اسلامی.

* دکتری زبان و ادبیات فرانسه، مترجم و مدرس انجمن خوشنویسان ایران در سبک نستعلیق.

مقدمه

انقلاب‌های بزرگ، همیشه نه تنها سرمنشاء تحولات سیاسی و اجتماعی هستند بلکه بر ساختار اندیشه و نگاه ادبی مردم زمان خود و حتی نسل‌های بعد تأثیری شگرف می‌گذارند. ادبیات انقلاب‌ها را هم می‌توان تاریخ تلطیف شده و مبسوط ملت‌ها دانست که با قلم‌هایی ملموس‌تر و نگاه‌هایی نزدیک‌تر به احساس واقعی مردم نگاشته شده‌اند.

در واقع رمان‌ها، داستان‌ها و اشعار هر انقلاب از جنس احساس مردم هستند و می‌توان با آنها زیست و حیات واقعی مردم در آن زمان را به خوبی درک کرد. در این مقاله نویسنده به مقایسه و تحلیل نقاط اشتراک و افتراق ادبیات انقلاب اسلامی در فاصله زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ با ادبیات انقلاب فرانسه در فاصله زمانی ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۹ می‌پردازد و رشد و فضای کلی ادبیات ایران و فرانسه در این دو دوره را در نگاهی اجمالی تحلیل می‌کند.

آیا موفقیت‌های به دست آمده در ادبیات انقلاب اسلامی به انتظارات هم جواب داده‌اند؟

با وجود تحولات و گام‌های بلندی که در عرضه داستان و رمان انقلاب در ده سال اول انقلاب به وجود آمد باز هم می‌توان کاستی‌هایی را در آن مشاهده کرد. همین که برخی نویسندگان به رغم اندک بودن تجربه، ساختار شکنی کرده و با تجربه سعی و خطا، ادبیات ایران را متوقف نکردند که البته این حرکت رو به جلو را می‌توان توفیقی بزرگ و نشانه‌ای دال بر عمل‌گرایی نسل ادیبان انقلاب دانست. این را هم باید قبول کرد که برخی موضوعاتی که تاکنون در داستان‌نویسی انقلاب مورد استفاده قرار گرفته، نتوانسته‌اند موفقیت چشمگیری برای ادبیات انقلاب به‌وجود آوردند، پس باید به دنبال راهی جدید در این عرصه بود.

مصطفی خرامان (داستان‌نویس کودک و نوجوان) عدم جذابیت داستان‌های انقلاب را غیرواقعی بودن شخصیت‌های داستانی می‌داند و معتقد است «زمانی مخاطب با اثر ارتباطی تنگاتنگ برقرار می‌کند که شخصیت‌های داستان واقعی و ملموس باشند. برخی از آثار ادبیات انقلاب با پردازش شخصیت‌های آسمانی و غیرواقعی باعث قطع ارتباط خواننده با اثر شده‌اند. باید جریانی را با عزم ملی و کمک همه ایجاد کرد تا ادبیات انقلاب واقعا شکوفا شود چون

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

اگر این آثار با موضوعات تکراری همچنان منتشر شوند، سبب مهجور ماندن ادبیات انقلاب می‌شود. ادبیات دفاع مقدس چیزی تحمیلی بر ادبیات ایران نیست. انقلاب و دفاع مقدس دو مقوله جدا از هم هستند که در آن ساختار، وقایع و اتفاقات با هم کاملاً متفاوت است و طبیعی است که هیچ کدام نمی‌توانند جای همدیگر را بگیرند. آنچه مشخص است اینکه وسعت دفاع مقدس بیشتر بوده و این وسعت سبب شده تا نویسندگان بیشتر تحت تأثیر دفاع مقدس قرار بگیرند. باید بتوان فضای قبل از انقلاب را ترسیم کرد تا محسنات انقلاب بیشتر جلوه کند. اگر در انقلاب فقط به نقش آدم‌های مثبت توجه شود، در واقع همه واقعیات انقلاب را نگفته‌ایم.^۱

تبیین موضوع و تشریح آن

به اعتقاد پروفیسور پیر دورتیگه^۲، استاد آکادمی تولوز فرانسه، انقلاب‌های فرانسه و ایران از جهاتی شبیه به هم و از جهاتی هم مختلف از هم هستند. او معتقد است نگاه مذهبی در مردم انقلابی فرانسه در ابتدا وجود داشت و این نگاه هم نگاه عمیقی بود ولی بعداً به انحراف کشیده شد و با «خرافه» مخلوط گشت و همین عاملی شد که حتی برخی به شدت با مذهب مبارزه کرده و باعث شوند که اعتقادات مذهبی از صحنه تفکر مردم بیرون رانده شود.

وی در مقاله‌ای در این باره می‌نویسد:

«از میان نویسندگانی که احترامی عمیق از بعد سیاسی و خدانشناختی (تئولوژیک) به انقلاب فرانسه قائل بوده‌اند می‌توان به «ژوزف دو مه ستر» که در باره عواقب یک اندیشه «بدون مذهب» که جهان غرب را زیر ستم خود قرار داده و در جهان به پیش می‌تازد، هشدار می‌داد. او در سال ۱۸۱۵ می‌نویسد: «اروپای ستم دیده و له شده امروز، پر از» از مدعیان فلسفه، بدون اخلاق و بدون مذهب و حتی بدون «عقلی» است که با هر نوع «انقیاد و فرمانبرداری» مخالفتی لجام گسیخته دارند و فقط و فقط خواهان سرنگون کردن هر نوع قدرت هستند تا

۱- در مصاحبه با خبرگزاری مهر به مناسبت نخستین جایزه جشن بزرگ داستان انقلاب در تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۲
۲- برای شناخت بیشتر از اندیشه‌های این فیلسوف فرانسوی می‌توانید به سایت اینترنتی وی به آدرس زیر مراجعه کنید:

خود را به جای آن بگذارند و این، متأسفانه همان «حکفرمایی کور» است که این «آقایان» را به دنیا آورده است.^۱

در این اندیشه که خیزش اجتماعی مردم در سال ۱۷۸۹ در فرانسه و خیزش سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) در ایران نتیجه آگاهی تدریجی و بیداری آنان و درک واقعیت‌های بیشتر از لایه‌های زیرین امور بوده تردیدی وجود ندارد. در این میان ادیبان و نویسندگان با زبان‌هایی بعضاً تند یا تلویحی خواسته‌های درونی مردم را ثبت کرده‌اند. اشعار شعرا، هم به نوبه خود در این تحول سهیم بوده‌اند. در حقیقت می‌توان گفت که همراه با تحولات اجتماعی، ادبیات ایران و فرانسه نیز در دوران انقلاب‌های این دو کشور با مردم زندگی کرده و منعکس کننده عواطف، نیازها، بلندپروازی‌ها و آرمان‌هایی بوده‌اند که هر ملتی از تغییر سرنوشت خود انتظار آن را دارد.

در این نوشتار ما قصد نداریم به این سؤال پاسخ دهیم که کدام یک از ادبیات‌های ایران یا فرانسه در دوران بعد از انقلاب خود موفق بوده یا نبوده‌اند. بلکه قصد اصلی آن است وجوه اشتراک و افتراق تحولی ادبی در سال‌های اولیه این دو انقلاب مورد بررسی قرار گیرد و به یک نتیجه ملموس در باره تأثیرات انقلاب‌ها بر ادبیات زمانه خودشان دست یابیم. مطالعه تطبیقی ادبیات ایران و فرانسه در ده ساله اول هر یک از دو انقلاب که عمیقاً با مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دو کشور توأم بوده نشان می‌دهد که:

۱- در هر دو انقلاب نویسندگان از تجربه اندکی در برخورد با مسایل انقلابی برخوردار بودند. احساسات بر نوشته‌های آنان غلبه دارد. بسیاری از نویسندگان معتقدند روحیه مردم در زمان انقلاب فرانسه نه برخاسته از یک اعتقاد مذهبی بلکه بیشتر مبین «خشم آنان» از سیستم سیاسی و اجتماعی و نابرابری‌ها بوده است. مردم فرانسه در انقلاب خود به دنبال «آزادی» بودند و با اندیشه‌های دینی خیلی کاری نداشتند زیرا تجربه تاریخی اروپا از «سختگیری‌های کلیسا و سوء استفاده‌های آن، مجالی برای اینکه مردم در مبارزه با «بی‌عدالتی و ظلم شاهان» رضای خدا و صواب آخرت را مد نظر داشته باشند باقی نگذاشته بود.

1- *Lettre à son Excellence le comte de...* 3 novembre 1815, v. *Lettres et Opuscules*, t. I, p.388, Paris, 1850, in-8° cité dans *Joseph de Maistre par Louis Moreau*, Société générale de Librairie catholique, Paris, Victor Palmé et J. Albanel, 1879, 543pp., p. 132.

در بررسی‌های نویسنده و بر اساس آماری گیری به عمل آمده در ده ساله اول انقلاب فرانسه حدود ۲۱۸ اثر ادبی نوشته شده است که جز در تعداد خیلی از آنها، اثری از اندیشه‌های دینی دیده نمی‌شود.^۱

۲- نگاه به انقلاب‌های فرانسه و انقلاب روسیه نشان می‌دهد میزان مشارکت سیاسی در انقلاب فرانسه جز جمعیت معدودی از طبقه اشراف و بورژواها با نظام همکاری نکردند و فقط در منطقه جغرافیایی پاریس فعال بودند. در انقلاب روسیه نیز عده معدودی از کارگران کارخانجات و سربازان فعال بودند و گروه‌های شرکت کننده همان کارگران و سربازان و حزب بلشویک بود و فقط در منطقه جغرافیایی پترزبورگ - مسکو فعال بودند، اما انقلاب اسلامی ایران تمام اقشار ملت اعم از کارگران، کارمندان، دانشگاهیان، بازاریان، روحانیون و... در تمام نقاط کشور همزمان ولی به طور عمده در شهرها مشارکت فعال داشتند و بر این اساس می‌توان گفت: «یکی از مشخصه‌های انقلاب اسلامی شرکت وسیع مردم در آن می‌باشد که در مقایسه با دیگر انقلاب‌ها بسیار چشمگیرتر و فراگیرتر بوده است.»

پروفیسور حامد الگار^۲ در این زمینه می‌گوید:

«یکی از ممیزات انقلاب اسلامی ایران شرکت وسیع توده‌های مردم بود. در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین انقلاب همیشه با جنگ داخلی همراه بود.»

۱- نام و عناوین این آثار و شرح تفصیلی نویسندگان و اندیشه‌های آنان در پایان نامه دکتری نویسنده با عنوان مقایسه تطبیقی ادبیات انقلاب اسلامی ایران و ادبیات انقلاب فرانسه در ده ساله اول هر یک از انقلاب‌ها که به زبان فرانسه تهیه شده آمده است. (دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران). صفحه ۱۶۶ بخش ادبیات انقلاب فرانسه.

۲- حامد الگار (به انگلیسی: Hamid Algar) استاد مطالعات اسلامی و زبان فارسی در دانشگاه کالیفرنیا، برکلی می‌باشد. زمینه تخصصی الگار تاریخ تشیع در ایران مخصوصاً قرن‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی) و تصوف (مخصوصاً نقشبندی و پشیرفت آن در آسیای میانه، هندوستان، کردستان و ترکیه و بالکان) می‌باشد. الگار مدرک لیسانس ← و دکترا اش را از دانشگاه کمبریج گرفته و از دانشگاه تهران دکترای افتخاری دریافت کرده است [۱] بیش از صد مقاله در دانشنامه ایرانیکا تألیف کرده است. الگار که متولد انگلیس بوده بعدها به دین اسلام و سپس به مذهب تشیع گرویده است. نوشته‌های او به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه و منتشر شده است. برای اطلاعات تکمیلی می‌توانید به ویکی پدیا مراجعه نمایید.

فرد هالیدی نیز معتقد است که «از لحاظ به صحنه کشاندن اقشار وسیع مردم، انقلاب اسلامی عظیم‌ترین انقلاب تاریخ است.»

۳- در باره ادبیات انقلاب فرانسه، به دلیل گذشت فاصله زمانی طولانی‌تر، می‌توان تحلیل بهتر و جامع‌تری ارائه کرد تا ادبیات انقلاب ایران، زیرا به اعتقاد تحلیلگران ادبی برای به دست آوردن درکی صحیح‌تر از موضوع معمولاً باید حداقل ۵۰ سال از یک انقلاب بگذرد تا بتوان فضای فکری آن را جامع‌تر بررسی نمود و اگر بخواهیم از این منظر ادبیات انقلاب اسلامی در ده ساله اول بعد از پیروزی سال ۱۳۵۷ را تحلیل کنیم یک کاستی واقعی ولی ناخواسته محسوب می‌شود و صبر و انتظار بیشتر برای رسیدن به این مرحله اجتناب‌ناپذیر است.

۴- در انقلاب فرانسه بسیاری از انقلابیون و سیاستمداران به نوشتن آثار ادبی و تأثیرگذار بر داخل و خارج از فرانسه پرداخته‌اند، ولی در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷ یعنی بیست سال اول انقلاب ایران بر اساس آمارهای ارائه شده نزدیک به ۲۸۶ مجموعه رمان و داستان و ادبیات مبارزه به رشته تحریر در آمده است^۱ که می‌توان گفت با توجه به سابقه ادبی در ایران و جایگاه کهن فرهنگ در ایران و هم‌چنین جمعیت ایران در سال‌های اول انقلاب (حدود ۳۵ میلیون نفر) این میزان بسیار ناچیز است. البته در ایران هم شخصیت‌های سیاسی وجود داشتند که بعدها «چهره ادبی‌شان» به مردم معرفی شد. از معدود شخصیت‌هایی هم‌چون امام خمینی (ره) یا شهید مصطفی چمران، آن هم بعدها آثاری منتشر شده و شخصیت ادبی آنها به عموم معرفی شد، در حالی که خودشان دیگر در جمع مردم حضوری نداشتند.

شاید علت این موضوع را تأثیر روحیه انقلابی و به خصوص مذهبی بر ایشان دانست زیرا براساس اعتقادات اسلامی، کار برای خود خدا احتیاج به تبلیغ ندارد و لذا در فرهنگ مردم ایران زمین ما شاهد افراد فراوان از اقشار گوناگون هستیم که سعی می‌کردند با نوعی تواضع تعمدی، از حرف زدن بسیار در باره خود و کارهایشان خودداری کرده در حالی که در میان

۱- میزگرد ادبی منتشره در مجله ادبی «زمانه»، اظهارات محمد حنیف صفحه ۸. این مصاحبه در سایت اینترنتی زیر قابل ملاحظه است : <http://www.zamaneh.info/articles/1009.htm>

نویسندگان فرانسوی توجه به واقعیات روزمره زندگی مردم نویسندگان را وادار می‌کرد از مسایل عینی تر سخن بگویند و گفته‌ها و نوشته‌ها واقعی تر باشد.

هـ در ادبیات و فرهنگ ادبی فرانسه ما به طور کلی شاهد هستیم به دلیل «توجه مردم به نوشتار» و «وجود سنت عمیق خاطره نویسی» و «سفرنامه نویسی و وقایع نگاری»، بیان احساسات و به طور کلی فرهنگ نوشتاری میان عموم مردم، نوعی «پویایی خاصی» در همان سال‌های اولیه انقلاب دیده می‌شود. مردم با قلم آشنایی دیرینه‌ای دارند و نوشتن به یک «فرهنگ عمیق و عمومی» بین مردم تبدیل شده است. لذا افراد فراوانی هم دیده می‌شوند که در صحنه ثبت شده‌اند. در حالی که در سال‌های اولیه انقلاب ایران برخی از نویسندگان نسل قدیمی به انقلاب ایران بی‌تفاوتی پیشه کرده و نسل جدید نیز به دلیل کمبود تجربه از یک سو و بروز جنگ هشت ساله بیشترین تمرکز خود را صرف پرداختن هیجانی به موضوعاتی هم‌چون دفاع مقدس و حفظ استقلال داخلی و سرپا نگه داشتن قیام مردم و اداره کشور کرده است. لذا در این بین «نوشتن و ثبت وقایع» به لایه‌های بعدی از بعد اهمیت رفته و رشد تدریجی اندکی داشته است.

این را نیز باید افزود که در سال‌های اخیر بسیاری از نویسندگان به سال‌های اول انقلاب اسلامی نقب زده و سعی کرده‌اند رمان‌ها و داستان‌های کوتاهی بر اساس شرایط آن زمان بنگارند که قاعدتا به دلیل «بیرون آمدن» از آن فضا شاید در انتقال نعل به نعل و وفادارانه موضوعات با کاستی‌هایی مواجه باشند ولی در هر حال برای نسل‌های آینده‌ای که تاریخ ادبیات انقلاب اسلامی را مطالعه خواهند کرد مفید و موثر خواهند بود.

عـ یکی از اصول دیگر انقلاب فرانسه ناسیونالیسم بود و ناسیونالیسم قرن نوزدهم از انقلاب فرانسه زاییده شده و از آن پس یکی از شرایط و اصول اساسی حکومت‌های ملی قلمداد گردید و به عنوان یک نهضت سیاسی، همراه با افکار و عقاید ویژه‌ای در اروپا رواج پیدا نمود. انقلاب فرانسه ابتدا مفهوم حکومت ملی را شور و حرکت بخشید و سپس آن را به عنوان الگو و سرمشق معرفی کرد که تا دو قرن نفوذش ادامه یافت و وقتی ناپلئون که خود عامل توقف جریان انقلاب فرانسه بود مروج مفاهیم جدید سیاسی در سراسر اروپا شد آمیزه‌ای از آرمانگرایی، ناسیونالیسم و سکولاریسم را عرضه داشت.

انقلاب روسیه نیز خواستار استقرار نظام انترناسیونال سوسیالیسم بود و آن را به عنوان هدفی کاملاً جهان شمول تبلیغ و تجویز می‌کرد. اما انقلاب اسلامی نه با ناسیونالیسم و ملی‌گرایی میانه‌ای دارد و نه با انترناسیونالیسم کمونیستی و بی‌فرهنگی سرمایه‌داری، بلکه بدین معنی است که ما با عالمی که ناسیونالیسم در آن پدید آمده و امکان بسط و گسترش یافته است مخالفیم و باید توجه داشت که در اسلام هیچ شخصی و یا طایفه‌ای بر دیگران حکومت نمی‌کند ناسیونالیسم، لیبرالیسم، سوسیالیسم، انتر ناسیونالیسم و هیچ ایسم دیگری را در آن جایی نیست.

امام خمینی قدس سره با توجه به پیامدهای ناشی از ملی‌گرایی و تعصبات می‌فرماید: «اساس بدبختی مسلمین ملی‌گرایی است زیرا او خوب می‌داند که چه ضربه‌ها و خسارت‌های جبران‌ناپذیر بر پیکر اسلامی از راه ملی‌گرایی وارد شده است».

۷- ادبیات فرانسه روی کشورهای همسایه فرانسه از جمله انگلیس و ایرلند و آلمان و روسیه تأثیرگذاری داشته است ولی اینکه آیا ادبیات انقلابی ایران هم همین تأثیر را داشته است یا نه؟ موضوعی است که به زمان بیشتری نیاز دارد تا در باره آن بتوان قضاوت کرد. با این حال با توجه به موضع‌گیری‌های سیاسی و ماهیتی که انقلاب ایران داشت، و با توجه به موضع‌گیری بدبینانه‌ای که از همان ابتدا نسبت به انقلاب ایران در بعد سیاسی ایجاد شد تأثیرگذاری انقلاب ایران در همان سال‌های اولیه انقلاب بر کشورهای اطراف را شاید در سال‌های بعد بیشتر بتوان مشاهده کرد تا در همان ده ساله اول انقلاب. به عبارت دیگر، اگر در سال‌های دهه دوم یا سوم انقلاب بیشتر بگردیم شاید این تأثیر ملموس‌تر باشد. ولی در مجموع نیازمند تحقیق بیشتر است. به همین دلیل است که به دلیل گذشت زمان بیشتر، در حال حاضر در باره ادبیات فرانسه می‌توانیم قضاوت ملموس‌تری داشته باشیم تا در باره ادبیات انقلاب ایران.

۸- وقوع جنگ تحمیلی در ایران را می‌توان نقطه هدایت مسایل فکری و ادبی به سوی «وطن‌پرستی» تلقی کرد. در حالی که در انقلاب فرانسه، ادامه بحث‌های سیاسی و اجتماعی باعث شد سال‌های بعد دوباره مطالبات مردم باشد که به هیجان اجتماعی دامن زد و انقلاب و انحراف‌های آن را زیر سؤال برد.

اما گذشته از اینها، تردیدی نیست که داستان‌نویسی ایران، بخش عظیمی از شکوفایی و بالندگی خود را مرهون و مدیون دوران خطیر، بی‌بدیل و سرنوشت ساز جنگ تحمیلی است.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

چه، وقایع روی داده در سال‌های جنگ تحمیلی، و رویدادهای به وقوع پیوسته در میدان‌ها و سنگرهای دفاع از میهن اسلامی، گذشته از بسیاری موهبت‌های سرشار و کتمان‌ناپذیر، هم‌چنین، امکانات فراوانی را از برای بالیدن در اختیار داستان‌نویسان جوان و تیزبین ما، و به طور کلی ادبیات رو به رشد کشورمان در اختیار نهاده است.

حقیقت این است که داستان‌نویسی، به طور کلی در سال‌های نه چندان درازی که در جهان رایج بوده، همواره یکی از اصلی‌ترین و پرجذبه‌ترین مواد و درون‌مایه‌های کارآمد خود را از درون میدان‌های نبرد و جنگ‌های به وقوع پیوسته میان انسان‌ها به دست آورده است. جنگ واقعه بسیار عظیمی است. فاجعه‌ای که به رغم نتایج تلخ و ماتم بارش، به واسطه کشش و کوشش و کشمکش‌های جاری در آن، یکایک رویدادهای اصلی و فرعی‌اش و جزء جزء لحظه‌های شتابانش می‌تواند حتی راویان مبتدی و تازه کار را نیز در حکایت‌پردازی پیروزمند جلوه دهد.

به واقع می‌توان گفت که ما در انقلاب فرانسه شاهد بروز جنگی بزرگ میان فرانسه و کشورهای همسایه نیستیم و ادبیات فرانسه از قوه محرکه‌ای که جنگ تحمیلی عراق به ایران بر شکوفایی ادبیات، شعر، تئاتر، فیلم و سناریونویسی گذاشت تقریباً بی‌بهره بود. ادبیات مقاومت موضوعی است که بعدها در زمان جنگ جهانی اول و سپس در جنگ جهانی دوم رشد خود را بازیافت و به بخشی از ادبیات معاصر فرانسه تبدیل شد.

۹- رهبری؛ در انقلاب فرانسه رهبران اصلی انقلاب به طور خلق الساعه در این مقام قرار گرفتند و وابستگی طبقاتی داشتند و در انقلاب روسیه نیز در فوریه ۱۹۱۷ نام هیچ رهبری به چشم نمی‌خورد و در اکتبر ۱۹۱۷ نام لنین، تروتسکی، استالین، بوخارین و... به چشم می‌خورد که اینان هم مانند رهبران انقلاب فرانسه پایگاه مردمی چندانی نداشتند و توده‌های مردم لنین را نمی‌شناختند. ولی در انقلاب اسلامی ایران رهبر انقلاب از یک پایگاه وسیع و عمیق مذهبی و بلا منازع برخوردار بود. او هم طراح، هم ایدئولوگ و هم معمار، مدیر و مجری انقلاب بود که در همه مراحل انقلاب چه قبل و چه بعد از پیروزی به این عنوان شناخته شد.

با اینکه اندیشه‌های ادبی و توان نوشتاری و شعرهای عرفانی امام خمینی (ره) بعد از رحلت ایشان به مردم معرفی شد با این حال هنوز هم می‌توان تأثیر غزلیات امام خمینی (ره)، اندیشه‌های ناب عرفانی و خط زیبای ایشان را بر شاعران و هنرمندان ایرانی مشاهده کرد. اساس ایدئولوژی در انقلاب فرانسه بر پایه لیبرالیسم استوار بود که هر چند در پیشبرد انقلاب نقشی نداشت ولی در شکل‌گیری نظام بعد از انقلاب نقش اساسی داشته است و در واقع شاخه‌ای از اومانیزم و انسان محوری است که آزادی‌خواهی را تبلیغ می‌کند. لیبرالیسم گرچه در پیشبرد ابعاد اقتصادی و سیاسی در ظاهر تا حدودی موفق بوده ولی در ترویج ارزش‌های مثبت اخلاقی و فضائل انسانی با شکست مواجه شده است که همین امر موجب نوعی ایجاد سر درگمی روحی و توسعه بیماری‌های روانی و افزایش روز افزون خودکشی در جوامع پیشرفته صنعتی گردیده است تا آنجا که امروزه این بحران عظیم اجتماعی روانی، ذهن بسیاری از اندیشمندان غربی را به خود مشغول کرده تا به امید رهایی از این بن‌بست راه حلی ارائه دهند.

برخی چون آرنولد توین بی، اریک فروم^۱، پدل فورد، و تا حدودی «هربرت مارکوزه»^۲، چاره آن را در احیاء عنصر مذهب بر اساس مقتضیات زمان می‌دانند و برخی دیگر چون «ژان پل سارتر» معتقدند درمان جدی و اساسی برای این بحران انسان وجود ندارد و تنها راه علاج، دادن فرصت‌ها و امکانات لازم به فرد انسان‌هاست که طبق مصالح و خواسته‌های فردی خود آن‌چنان که لازم بدانند خود را با شرایط موجود تطبیق دهند. در روسیه نیز اساس

۱- اریک فروم (به آلمانی: *Erich Fromm*) (۲۳ مارس ۱۹۰۰ - ۱۸ مارس ۱۹۸۰) روان‌کاو و فیلسوف اجتماعی آمریکایی آلمانی تبار از جمله مارکسیست‌های سرشناس *مکتب فرانتگورث* و از برجسته‌ترین نمایندگان مکتب روانشناسی اومانیزمی است. او در آثارش کوشید تا ارتباط متقابل روان‌شناسی و جامعه را شرح دهد و معتقد بود که با به‌کار بستن اصول روان‌کاوی، به عنوان علاج مشکلات و بیماری‌های فرهنگی، بشر راهی به سوی تحقق یک «جامعه معقول» و متعادل از لحاظ روانی خواهد یافت. کتاب «هنر عشق ورزیدن» اریک فروم توسط انتشارات مروارید - فیروزه توسط خانم پوری سلطانی به زبان فارسی چاپ شده است. زندگی‌نامه و آثار این فیلسوف در پایگاه اینترنتی «ویکی‌پدیا» قابل مطالعه بیشتر است.

۲- برای اطلاع بیشتر از آراء و اندیشه‌های این فیلسوف آلمانی می‌توانید به سایت زیر مراجعه نمایید:
<http://hamshahrionline.ir/news-85726.aspx>

ایدئولوژی بر مارکسیسم - لنینیسم استوار بود که این ایدئولوژی نیز در انقلاب نقشی نداشت ولی در شکل‌گیری نظام بعد از انقلاب و تحولات بعدی نقش اساسی را به عهده داشته است. ولی انقلاب اسلامی ایران همانند انقلاب کبیر فرانسه برای کسب آزادی تنها و یا مثل انقلاب اکتبر روسیه یک انقلاب کارگری نبود بلکه در انقلاب اسلامی تاکید بر ایدئولوژی اسلام با تکیه بر تعالیم مکتب تشیع بود که در تهییج و تشکل مبارزات مردمی و نهایتاً سقوط نظام شاهنشاهی و نیز در شکل‌گیری تحولات بعد از انقلاب با تکیه بر اصل ولایت فقیه نقش زیر بنایی داشته است.

در انقلاب اسلامی آزادی به آن معنی که در غرب مطرح است وجود ندارد. در اسلام انسان موجودی آزاد است اما نه به معنی رها و لا قید و بی‌بند و بار بلکه به معنی مختار و انتخابگر. در این مکتب انسان موجودی است که آزادانه در سرنوشت خویش باید تصمیم‌گیری نماید. در جمهوری اسلامی افراد جامعه در محدوده قوانین اسلامی و با توجه به مصالح جامعه هم آزادی مذهبی وجود دارد و هم آزادی سیاسی، هم آزادی بیان و هم آزادی عقیده... در نظام اسلامی اقلیت‌ها و پیروان دیگر مذاهب آزادند به آیین و معتقدات خویش پای‌بند باشند و به برنامه و راه و روش خود عمل نمایند. در انقلاب فرانسه رهبران انقلاب گام‌هایی در جهت جدایی کامل سیاست از دین یعنی سکولاریسم برداشتند و در انقلاب روسیه با عناد و ضدیت شدید با دین برخورد کردند و دین را افیون توده‌ها معرفی نمودند، ولی در انقلاب اسلامی ایران بازگشت به دین و اسلام روح و اساس انقلاب است و در واقع یکی از شگفت‌انگیزترین و در عین حال پیچیده‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی بعد دینی آن است.^۱

۱۰- در ادبیات فرانسه در زمان انقلاب ۱۹۷۹ و متون ادبی آن زمان در باره ادبیات کودکان و زنان چیزی نمی‌بینیم. در حالی که در ایران از همان ابتدای انقلاب به دلیل اهمیت توجه به نسل‌های جوان و نسلی که می‌بایست بر اساس آموزه‌های انقلاب کشور را به اهداف خود برساند ادبیات کودکان و زنان در معرض توجه قرار داشت. البته نباید موضوع زمان و شرایط زمانی را نیز از توجه دور داشت چرا که در مقطعی که حقوق بزرگسالان نادیده انگاشته

۱- ویژگی‌های کلی انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های روسیه و فرانسه. مقاله منشتره در سایت اینترنتی «پایگاه اطلاع رسانی فرهنگ ایثار و شهادت» به آدرس:

<http://www.navideshahed.com/fa/index.php?Page=definition&UID=296555>

و به نفع طبقه اشراف‌زاده مصادره می‌شد نمی‌شد از رعایت حقوق کودکان و مقوله ادبیات زنان و کودکان و نوجوان سخنی به میان آورد. این موضوع در سال‌های بعد در ادبیات فرانسه جای خود را باز کرد.

۱۱- شناخت مردم ایران از آثار ادبی فرانسه در زمان انقلاب بسیار اندک است و در مقابل همین موضوع در باره آثار تولید شده بعد از انقلاب ایران نیز در فرانسه وجود دارد. در فرانسه از همان ابتدا نسبت به انقلاب ایران موضع‌گیری شد و به دلیل اختلاف‌های عمیق در نوع نگاه به مسایل و هم‌چنین ماهیتی که از سوی دولتمردان ایرانی برای انقلاب ایران تعریف می‌شد، نسبت به کل انقلاب ایران موضع‌گیری شد و به جز موردی اندک که از سوی سوسیالیست‌های فرانسه صورت گرفت در مجموع انقلاب ایران مورد بی‌توجهی روشنفکران و ادبای فرانسوی قرار گرفت. در ایران، از میان نویسندگان فرانسوی که در ده ساله قبل و بعد از انقلاب این کشور آثار ادبی تولید کرده‌اند نام «شاتو بریان و مادام دو اشتال» از بقیه شناخته‌شده‌تر است و می‌توان گفت تنها اثری هم که به نوعی «انقلاب فرانسه را در ذهن‌ها زنده می‌کند»، «کتاب بینوایان» نوشته ویکتور هوگو است. در حالی که خود ویکتور هوگو در ۲۶ فوریه ۱۸۰۲ در «شهر بزانسون» متولد و در ۲۲ مه ۱۸۵۵ در پاریس فوت کرد و محتوای کتاب «بینوایان» اوست که خاطره رنج‌های مردم فرانسه قبل از انقلاب ۱۷۸۹ در این کشور را تداعی می‌کند و در زمان انقلاب فرانسه او ۱۳ سال بیشتر نداشته است.

با این وصف، از میان نویسندگان ایرانی دهه اول بعد از انقلاب، شاید بتوان گفت اسمی نباشد که بتوان از آن به عنوان یک چهره ادبی انقلاب یاد کرد که در خاطره مردم فرانسه باقی مانده باشد. تصویری که مردم فرانسه از انقلاب ایران و سال‌های آن به ذهن دارند بیشتر سیاسی است تا تصویری که مبین فرهنگ و ادبیات واقعی ایران باشد و جای دارد که در این باره با نوشتن مقالات ادبی و تحلیل‌های واقعی آثار شگرف انقلاب بر ادبیات ایران تبیین شود. آنچه در سال‌های بعد از ادبیات ایران هم به ذهن مردم فرانسه خورانده شده است بیشتر نقشی منفی و تصویری سیاه و نادرست برخاسته از «بد بینی‌ها» نسبت به اهداف انقلاب ایران بوده که تا حدود زیادی از سوی نویسندگان ایرانی مقیم خارج تقویت شده است. بررسی‌های محققان فرانسوی از ادبیات ایران بعد از انقلاب نیز دائما با «تصاویر سیاسی» که از ایران داده شده مخلوط و از واقعیت‌ها به دور مانده است. به گونه‌ای که تصور اینکه انقلاب ایران

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

توانسته باشد به رشد ادبی و فرهنگی عموم مردم منتهی شود، موضوعی عجیب معرفی می‌شود!! متأسفانه این روند همچنان تعمداً ادامه دارد و آنها از آنچه ذره‌ای توفیق و موفقیت در زمینه‌های ادبی، فرهنگی و ... در ایران را معرفی کند عامداً چشم پوشی می‌کنند.

۱۲- هویت یکی از تفاوت‌های دیگر انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های روسیه و فرانسه این است که انقلاب فرانسه یک انقلاب لیبرال بورژوازی و از نتایج آن واژگونی نظام سلطنتی و برقراری یک جمهوری پارلمانی بود و انقلاب روسیه یک انقلاب سوسیالیستی و از نتایج آن سرنگونی حکومت تزاری و نهایتاً تسلط نظام سوسیالیسم بود ولی انقلاب اسلامی یک انقلاب دینی و ضد استکباری است که تنها به واژگونی کامل استبداد اکتفا نکرده و در واقع انقلابی در فرهنگ انقلاب‌های جهان به وجود آورد. انقلاب اسلامی رژیم شاهنشاهی را سرنگون و حکومت اسلامی را برقرار کرد و بخاطر ماهیت ضد استکباری خود از همان ابتدا با دشمنی تمام ابرقدرت‌ها روبه‌رو بوده است.

آقای حامد الگار در این باره می‌نویسد:

«انقلاب اسلامی راه دیگری را پیموده است و از همان اول با دشمنی مشترک تمام ابرقدرت‌ها مواجه بوده است. آزادی و عدالت در انقلاب‌های لیبرالیستی غربی، آزادی افراد به قیمت فدا کردن عدالت اجتماعی مطرح می‌شود و در انقلاب‌های مارکسیستی عدالت اجتماعی را با اعمال خشونت و دیکتاتوری و به قیمت از دست دادن آزادی‌های فردی نوید می‌دهند ولی در نظام سیاسی اسلامی، تلاش بر این است که عدالت اجتماعی همراه با آزادی فردی و به طور متوازن و تا آنجا که ممکن است به صورت هماهنگ مطرح می‌شوند. اسلام، آزادی لیبرالیستی را که به بی‌عدالتی‌ها و فاصله‌های زیاد طبقاتی منتهی می‌شود نفی می‌کند چنانکه مساوات و برابری بدون توجه به خصوصیات و استعداد‌های فردی که حالت تحمیلی دارد و همراه با زور و دیکتاتوری است را هم نمی‌پذیرد.»

اسلام روح برادری را ترویج و امتیازات بی‌جا و تبعیض طبقاتی را تکذیب می‌کند و از این رو، مورد توجه بسیاری از مردم محروم دنیا قرار گرفته است.

نهر و در این باره می‌گوید:

«مسئله مساوات اسلامی روی افکار هندوها، خصوصاً طبقه محروم‌شان تأثیر عمیق بخشیده است زیرا اسلام بساط اختلافات طبقاتی و امتیازات نژادی را از میان برده است و میان

ملل مختلف روابط حسنه بر اساس عدل و مساوات برقرار می‌سازد». ویژگی‌های برجسته انقلاب اسلامی، توجه بسیاری از مردم دنیا به ویژه قشر روشنفکر و فهیم دنیا در کشورهای گوناگون را به خود جلب کرده و به رغم سلطه رسانه‌ای و فرهنگی که دنیای غرب به کمک ابزارهای رسانه‌ای و جنگ نرم سعی دارد آن را بر ذهن و روح مردم مسلط کند، انقلاب اسلامی نیامد تا برنامه‌های انقلاب دموکراتیک فرانسه را با برنامه‌های سوسیالیستی انقلاب روسیه را پیاده کند بلکه آمد تا محیطی را برای رشد و شکوفایی ایده‌های نوین و مناسب با خواسته‌های نسل جدید و مردمی که از بحران هویت فرهنگی، نبود آرامش اجتماعی، تنهایی، جدا شدن از مذهب و خالی بودن جای خدا در اندیشه‌ها در رنج هستند، فراهم کند. انقلاب اسلامی ایران با همه مشکلات خواسته و ناخواسته‌ای که در مسیر حرکت خود مواجه بوده، سعی کرده است یک مکتب جامع پویا و سازنده بر اساس اصول اسلام بر پا نماند. اسکاچ پل که مطالعات وسیعی در زمینه بررسی تطبیقی انقلاب‌ها انجام داده است می‌گوید:

«جای تردید نیست که علل بروز انقلاب ایران با آنچه در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین رخ داد، متفاوت بوده و اختلافات فاحش دارد، انقلاب ایران پدیده‌ای کاملاً خلاف طبیعت بود؛ این انقلاب محققاً یک انقلاب اجتماعی است مع ذلک پروسه انقلاب مخصوصاً حوادثی که منجر به سقوط شاه شد، علت‌هایی را که در مطالعه تطبیقی خود از انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین مطرح کرده بود، زیر سؤال برد. انقلاب ایران آشکارا آن قدر مردمی بود و آن قدر روابط اساسی و پایه فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی - اجتماعی را در ایران تغییر داد که حقیقتاً از نمونه‌های انقلاب‌های اجتماعی - تاریخی بزرگ می‌باشد».

در پاسخ به این سؤال که کدام‌یک از نویسندگان ما، از کدام یک از این داستان‌هایی که در زمان انقلاب فرانسه نوشته شده‌اند و یا به طور کلی از ادبیات انقلابی فرانسه بیشتر تأثیر پذیرفته‌اند و این تأثیر، در کدام آثار، خود را بیشتر نشان داده‌اند؟ «یروز زنوزی جلالی»^۱ معتقد

۱- وی به سال ۱۳۲۹ در خرم‌آباد متولد شد. تا پایان تحصیلات ابتدایی در بروجرد بود و سپس به تهران آمد و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته‌های نظامی گذرانده و ناخدا یکم کمیسر دریایی است. او به عنوان کارشناس با بخش داستان بنیاد جنگ‌زدگان، کتاب سال بنیاد شهید، بخش قصه و رمان حوزه هنری و بخش انتخاب آثار برتر معلمان همکاری داشته و علاوه بر ساخت فیلم‌های مستند به فیلم‌نامه و نمایش‌نامه‌نویسی و تدریس و نقد نیز می‌پردازد. کتاب مردی با کفش‌های قهوه‌ای او جزء آثار برتر ۲۰ ساله انقلاب شناخته شده و ←

است «نباید هر اثری را که در آن به «انقلاب» اشاره شده است، جزء «ادبیات انقلاب» برشماریم؛ زیرا مهم‌ترین ویژگی که اثری را در مجموعه ادبیات انقلاب قرار می‌دهد، وفاداری درونی و نهایی نویسنده و اثرش، به ارزش‌ها و اهداف انقلاب است. حال اگر نویسنده‌ای دو اثر متفاوت، در دو دوره متفاوت از انقلاب، به نگارش درآورد و در یکی، رنگ و بویی از وفاداری به آرمان و ارزش‌های انقلاب استشمام نشود، نمی‌توان — به راحتی — این اثر را هم به پای اثر دیگر نوشت و آن را جزء ادبیات انقلاب دانست. آثار ما در مقایسه با آثار انقلابی کشورهای دیگر، چندان عمیق و در خور توجه نیست. در ظاهر شاید شباهت‌هایی بتوان بین آنها پیدا کرد، اما باورهای آنها متفاوت است. به نظر من، آثار انقلابی کشور خودمان، در زمینه تحقیق پیش از نگارش، کم بهره‌اند؛ البته استثنائاتی هم وجود دارد، مثلاً «نخل و نی» رضا رئیسی که بسیار پژوهشی است، اما از حالت داستانی فاصله گرفته است. مستندات آن بسیار زیاد است و انبوه مستندات سبب شده که وجه گزارشی و سندی آن به وجه داستانی‌اش بچربد. در «قطار ۵۷» رئیسی نیز تحقیق مشهود است، اما تقریباً در آثار دیگر نویسندگان، تحقیق جایی ندارد یا کم‌ارزش است. رمان‌های انقلاب ما، در مقایسه با آثار کشورهای دیگر، مجموعاً این ضعف را دارد. در بسیاری از آثار ادبیات انقلابی کشور ما، باور شخصی، عمیق‌تر از باور عمومی و درونی انقلاب است. در بسیاری از آنها جای پای انقلاب روسیه و شرق را بیشتر می‌توانیم ببینیم، تا تأثیر انقلاب‌های دیگر را»^۱.

به اعتقاد وی «گرایش به ادبیات سوسیالیستی کم‌رنگ شده است؛ زیرا گرایش به آن باور و مرام شرقی، با آن غلظت، سبب تزلزل ادبیات شده بود. در آن دسته از آثار، هدف آوردن

→ کتاب مخلوق او نیز برنده دیپلم افتخار از طرف بنیاد شهید شده است. از جمله آثار این شخصیت ادبی ایرانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

باران بر زمین سوخته (مجموعه نقد آثار احمد محمود)، سال‌های سرد، خاک و خاکستر، روزی که خورشید سوخت، اسکاد روی ماز ۵۴۳، مردی با کفش‌های قهوه‌ای، سیاه بمبک، مجموعه داستان اولی‌ها (گردآوری)، مخلوق (رمان)، شور و شیرین (فیلم‌نامه). جلالی، نویسنده پرکاری که کتاب «قاعده بازی» او برنده جایزه کتاب سال جایزه ادبی جلال آل احمد (۱۳۸۷) و جایزه قلم زرین شده است.

۱- در مصاحبه‌ای با نشریه ادبی «زمانه» به آدرس اینترنتی زیر:

<http://www.zamaneh.info/articles/1005.htm>

مانیفست بود و لذا قلم داستانی جا می‌ماند. نویسنده آن قدر به مرام وفادار بود که شخصیت و پیرنگ و ساختار زیر سؤال می‌رفت. در گذشته نشان داس و چکش را در ادبیات به وضوح می‌دیدید، اما بعد از انقلاب این مسئله کم‌رنگ شد؛ مثلاً آثار و نمایشنامه‌های گوهر مراد بعد از انقلاب فراموش شد؛ چون هدف آن آثار، فقط ارائه ایدئولوژی و ضربه به رژیم شاه بود، اما باز هم، در داستان‌های اخیر، رگه‌های کم‌رنگی از آن را به صورت پراکنده می‌توان مشاهده کرد. ضعف در رمان‌ها و داستان‌های دهه اول انقلاب را شاید بتوان به حساب بی‌تجربگی نویسندگانی که قصد همراهی با انقلاب و ادبیات آن را داشتند گذاشت ولی این ضعف در میان نویسندگان دو دهه بعدی انقلاب اسلامی هم دیده می‌شود.

نویسندگانی چون محسن مخملباف، رضا رهگذر، رضا امیرخانی، بایرامی، ایرانی، فردی، فتاحی، فراست، حسن بیگی، غفارزادگان، امیرفجر و رئیس، که قاعدتا باید آثارشان معرف انقلاب اسلامی باشد، در ساختاری کلی، به انقلاب نگاه کرده‌اند، اما همه آنها را نمی‌توان در کنار همدیگر و در یک ردیف قرار داد؛ زیرا نوع نگرش و درون‌مایه‌ها و دغدغه‌هایشان متفاوت بوده است. در مجموع یکی از ویژگی‌های مشترکشان این است که بدون رودبایستی، به این مقوله نگاه کرده‌اند. به جز چند استثناء، نوعی کلی‌گویی درباره انقلاب وجود دارد؛ اما چون تحلیل جدی در آنها نیست، با وجود نگارش این آثار، باز هم در این زمینه، با فقر جدی روبه‌رو هستیم و باید گفت اثر کاملی که به درد جوان امروز بخورد و بتواند انقلاب را به‌طور کامل معرفی کند، وجود ندارد. و آثاری که بتوانند هم‌چون «جنگ و صلح» یا «بینوایان» جلوه کنند و مورد توجه واقع شوند به وجود نیامده است. زیرا هیچ یک از نویسندگان فوق نتوانسته‌اند حرارت انقلاب را در متن اثرشان منتقل کنند؛ شاید چون انقلاب بهانه بوده است نه دغدغه و به همین خاطر در بسیاری از آثار ما نگاه متعارض وجود دارد. در بسیاری از این آثار شعار زندگی وجود دارد، و البته به عنوان قدم‌های اولیه در خلق ادبیات انقلاب طبیعی است. ما قبل از آنکه بتوانیم از ادبیات انقلاب فاصله بگیریم و به آن درست نگاه کنیم، وارد ادبیات جنگ شدیم و همین حادثه سبب شد که بسیاری از قلم‌ها، نگاه و همت خود را به آن سو نشانه روند. از همین‌رو، به نظر بنده، اثری که بتوان آن را در مقام سمبل تمام‌عیار ادبیات انقلاب اسلامی به دنیا نشان داد، هنوز خلق نشده است.

۱۳- از جمله مسائلی که در نگاه به ادبیات انقلاب ایران نباید آن را از مد نظر دور داشت و این مسئله به عنوان یک ارزش برای آن محسوب می‌شود موضوع ورود مسائل تربیتی، اخلاق و تعهد به عرضه ادبیات و تلاش برای استفاده بهینه از داستان و شعر و رمان برای تعالی اخلاقی و رفتاری انسان‌ها به عنوان مخاطب است. از آنجا که در ارزش‌های دینی انقلاب «قلم» به عنوان یک ابزار «مقدس» تعریف می‌شود نویسنده نیز به عنوان کسی که این ابزار مقدس را به کار می‌برد باید در کنار پالایش‌های مختلف قلم خود را نیز به سوی «هدایت روحی و فکری» انسان‌ها به کار گیرد. لذا ما می‌بینیم در دوران انقلاب اسلامی ایران، اینکه قلم به چه سوی بچرخد و با چه هدفی در خدمت ادبیات قرار گیرد و چه بخش از اقیانوس احساسات و افکار انسان‌ها را منتقل کند، مهم شمرده می‌شود و فضا نیز این موضوع را القاء می‌کند که قلم باید پاک باشد، پاک بنویسد و اندیشه‌های پاک بیافریند. وگرنه در عرصه ناپاکی و پلشتی جولان دادن تا به بی‌نهایت میسر است ولی همان‌طور که کسانی که در این مسیر جولان داده و جز به تباهی اندیشه‌ها و ذهن‌ها، به جایی نرسیده‌اند، ادامه این مسیر هم مصداق «آزموده را آزمودن خطا است» می‌باشد.

در ادبیات فرانسه، برخی به اعتبار اینکه انقلاب برایشان «آزادی» آورده است، این آزادی در اندیشه و گفتار و کردار را به قلم هم سرایت داده و «هر چه خواستی بنویس» و «هر چه خواستی بگو» را مصداق آزادی بی‌حد و حصر به ارمغان آورده شده از سوی انقلاب فرانسه دانستند. در نتیجه آثاری به‌وجود آمد که ادامه آنها در طول تاریخ و امروزه هنوز هم ادامه دارد و به «ادبیات سیاه» معروف است و مخاطبین خاص خود را دارد که هم‌چون بقیه کسانی که در مسیر آزادی‌های بی‌حد و حصر حرکت می‌کنند، به نشر اندیشه‌های خود مشغول‌اند و جالب اینجاست که با وجود «تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های فراوانی که برای آزادی بشر و آزادی بیان و از این قبیل مسایل صرف می‌کنند» هنوز ره به جایی نبرده‌اند و می‌توان گفت نسخه‌ای که برای انسان سردرگم غربی بیابند نیافته‌اند.

برای اینکه بتوان آینده و نهایت نویسندگانی که در این مسیر گام بر می‌دارند را بشناسیم احتیاج به «قدرت بالای ذهنی خاصی» نیست. آزادی‌های لجام گسیخته اجتماعی و فرهنگی در غرب به معنای کلی آن، گریبان نویسندگان را هم گرفته و همان سرنوشتی که متفکرین طرفدار آزادی‌های لجام گسیخته را با انواع نابسامانی‌های روحی و رفتاری به خود مشغول کرده، نویسندگان به اصطلاح «آزاد اندیش» را نیز از ضربه‌های خود مصون نگه نداشته است.

نتیجه

آنچه که از مجموعه مطالعه در باره ادبیات انقلاب اسلامی در ده ساله اول در حوزه‌های مختلف رمان، داستان و شعر می‌توان نتیجه گرفت این است که در زمینه شعر ادبیات انقلاب اسلامی گام‌های بلندتری برداشته و بر ذهن و روح مردم تأثیرات بیشتری گذاشته است تا سایر انواع ادبیات. دلیل این موضوع را هم می‌توان آشنایی دیرینه ایرانیان با «زبان شعر» و استفاده گسترده از آن در فرهنگ مردم ایران زمین دانست. بررسی داستان‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، چه داستان‌های بلند و چه داستان‌های کوتاه مؤید این نظر است که:

۱- رمان انقلاب اسلامی هنوز - آن گونه که شایسته شأن و منزلت انقلاب بزرگ مردم ایران باشد نوشته نشده است.

۲- رمان جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس - آن گونه که در خور شأن ایثارگران و شهیدان ماست - آفریده نشده است و رمان‌های نوشته شده را باید مقدمه‌ای برای کارهای بزرگتر تلقی کرد.

۳- با وجود جایگاه جنگ به عنوان یک منبع غنی برای الهام‌گیری، هنوز کتاب شایسته‌ای در جامعه‌شناسی جنگ تحمیلی و آسیب‌شناسی آن نوشته نشده و جایگاه این مقوله در جامعه ما از نگاه یک جامعه‌شناس مورد بررسی قرار نگرفته است. در حالی که ادبیات مقاومت در بسیاری از کشورهایی که درگیر جنگ در اروپا بوده‌اند یک بخش مهم از ادبیات آنان را تشکیل می‌دهد که در ادبیات فرانسه این موضوع به خوبی تعریف و روی آن کار شده است.

۴- هنوز ادبیات انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و فرهنگ جبهه و جنگ در مدارس و دانشگاه‌های ما جای قابل توجهی ندارد و باید برای این موضوع کار علمی بیشتری صورت گیرد.

۵- در خارج از ایران به طور کلی در باره ادبیات انقلاب ایران شناخت مبهم و بعضاً نادرستی وجود دارد که جای دارد با ترجمه آثار قابل عرضه و معرفی آنان به زبان‌های انگلیسی، فرانسه یا عربی و غیره، واقعیت‌های این بخش بیشتر معرفی شود. جهان امروز به دلیل سلطه رسانه‌ای خود بر ذهن‌ها قصد آن را ندارد تصویر خوبی از ایران ارائه دهد و به تبع آن ادبیات انقلاب را هم به همان اندازه اندیشه‌های سیاسی و انقلابی در ایران مورد حمله قرار

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

داده، منفی جلوه می‌دهد. آنها سعی دارند ادبیات، تمدن و فرهنگ غنی و کهن ایران در طول تاریخ را نادیده گرفته و در مقابل فرهنگ، هنر و ادبیات، فلسفه و توسعه علمی و صنعتی امروز ایران را هم با اغراض سیاسی (اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی) مخلوط کرده و به همان میزان آن را نادیده فرض کنند.

ویژگی‌های ادبیات انقلاب اسلامی:

- ۱- تغییر نگاه و زاویه دید نویسندگان و ارتقاء ذوق و سلیقه هنری ادبی نویسندگان.
- ۲- تقوای قلم و اخلاق‌گرایی و پرهیز از زشت‌نویسی.
- ۳- گرایش به آموزه‌های دینی و تقویت روحیه ایثار و شهادت و وطن‌پرستی.
- ۴- تقویت روحیه حماسی در داستان‌های جنگ.
- ۵- تنوع موضوعی و رشد کمی آثار.
- ۶- عدم حضور گسترده زنان.
- ۷- وجود رگه‌هایی از سطحی‌نگری و نبود ژرفای فکری برخی از نویسندگان و تجربه اندک آنان از زبان‌شناسی، بافت و فضا سازی در داستان‌ها.
- ۸- رشد ادبیات کودک و نوجوان.
- ۹- رشد واقعیت‌گرایی.
- ۱۰- رشد تدریجی روزنامه‌نگاری و رشد ادبیات رسانه‌ای.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی زبان:

- ۱- اکبری شلدری، فریدون. درآمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
 - ۲- بیات، حسن و محسن حسینی. چشم انداز ادبیات انقلاب اسلامی ایران. مرکز تحقیقات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷.
 - ۳- حقوقی، محمد. مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران. تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸.
 - ۴- رحیمی، حسن. از سقوط گنجه تا فتح خرمشهر. تهران: انتشارات صریر، ۱۳۸۵.
 - ۵- علایی، سعید. جریان‌شناسی شعر انقلاب اسلامی ایران. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۸۷.
 - ۶- مجموعه مقالات میزگرد بررسی ادبیات خاطره‌نویسی رزمندگان جنگ ایران و عراق و رزمندگان فرانسوی جنگ جهانی اول (۱۵ و ۱۶ آذر ۱۳۷۸ در تهران) برگزار شده از سوی دفتر ادبیات هنر و مقاومت، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران منتشر شده در سال ۱۳۸۱ - انتشارات سوره مهر.
 - ۷- منصوری، جواد. سیرت‌کویینی انقلاب اسلامی ایران. (ویرایش دوم)، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات ۱۳۷۵.
- ب) منابع فرانسه زبان:

B: les références en langue française:

1- Caratiani Roger, «Dictionnaire des personnages de la Révolution Française» Novembre 1988. ISBN: 2-7144-2232-2.

فرهنگ شخصیت‌های انقلاب فرانسه

2- Coulet Henri «Le Roman jusqu'à la révolution» Huitième édition. Armand Colin. Paris, 1991. ISBN: 2-200-31300-4

رمان تا قبل از انقلاب فرانسه

3- Histoire de la révolution française par deux amis de la liberté, Garnery, Paris, 1792-1803, tome 8 p. 140

تاریخ انقلاب فرانسه

4- George Painter, Chateaubriand, Une biographie, 2 vol., Gallimard, 1979

بیوگرافی شاتو بریان

5- Ghislain de Diesbach, Chateaubriand, Perrin, Paris, 1995 (réimpr. 2004), 595 p. (ISBN 2-262-00101-4)

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

نگاهی تطبیقی تحلیلی به تفاوت‌ها و شباهت‌های ادبیات ایران و... ❖ ❖ ۸۹

6- Jean-Paul Clément, Chateaubriand: biographie morale et intellectuelle, Flammarion, coll. « Grandes biographies », Paris, 1998, 699 p. (ISBN 2-08-067554-0)

بیوگرافی اخلاقی و روشنفکری شاتو بریان

7- CHATEAUBRIAND AVANT LE GÉNIE DU CHRISTIANISME. Actes du colloque ENS Ulm réunis par Béatrice Didier et Emmanuelle Tabet. Éditions Honoré Champion, 2006. 176 p., rel. 978-2-7453-1284-6.

شاتو بریان قبل از "خردمندی مسیحیت"

8- Marie-Elisabeth BOUGEARD-VETÖ. Chateaubriand traducteur. De l'exil au Paradis perdu. Éditions Honoré Champion, 2005. 832 p., rel. 978-2-7453-1182-5.

در باره شاتو بریان از تبعید تا بهشت گم شده

9- Jean-Christophe CAVALLIN. Chateaubriand cryptique ou Les Confessions mal faites. Éditions Honoré Champion, 2003. 224 p., rel. 978-2-7453-0903-7.

شاتو بریان، رمز آلود و اسرار آمیز یا اعتراف‌هایی که بد انجام شده‌اند

10- « Perception de la révolution française et interprétation de ses concepts »: les cas ture et iranien, AHANO Marcel, N° 12 juin – décembre 1991. (<http://www.ceris-sciencespo.com/publica/cemoti/resume12.htm>)

برداشت‌هایی از ادبیات فرانسه و تفسیر اندیشه‌های آن

11- « La littérature française au XIX^e siècle » par Serge Jodra, 2008 ; (<http://www.cosmovisions.com/textPoesie.htm>)

تاریخ ادبیات فرانسه در قرن نوزدهم، ریشه‌های انقلاب، دوران امپراطوری، جلد دوم از یک مجموعه ۵ جلدی

« Des origines à la Révolution, le Consulat, l'Empire, Tome I et II d'une série de cinq tomes ». Ouvrage orné de huit gravures hors texte, (<http://classiques.uqac.ca>)

12- « *Révolution Française en 1789* » par André Reuse (2010).

<http://areuse.unblog.fr/2010/11/15/revolution-francaise-en-1789/>

انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ نوشته آندره روز - ۲۰۱۰

ج) سایت‌های اینترنتی فارسی و فرانسه زبان:

1- Présentation de « Simin Dāneshvar »

(http://fr.wikipedia.org/wiki/Simin_Daneshvar)

معرفی سیمین دانشور

2- Une brève histoire de la poésie persane contemporaine de Nimâ à nos jours, par « Rouhollah Hosseini », N° 55, juin 2010, Revue de Téhéran.

(<http://www.teheran.ir/spip.php?article1208>)

تاریخچه مختصر شعر معاصر ایران از نیما تا عصر ما نوشته روح الله عباسی در شماره ۵۵ مورخ

ژوئن ۲۰۱۰ در «مجله تهران» به زبان فرانسه

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

3- « La nouvelle littéraire à Arak » (ville située à 250 km de Téhéran) , par Youssef Nikname, (<http://arakihaa.ir/page/story.aspx>).

ادبیات مدرن در شهر اراک نوشته یوسف نیکنام

4- « Littérature de la résistance en Iran et Allemagne » par Hamid Reza Nadjafi.
<http://shahed.znu.ac.ir/index.php/page/ViewPage/adabyat.html>

ادبیات مقاومت در ایران و آلمان نوشته حمید رضا نجفی

5- <http://www.magazine-litteraire.com/content/homepage/article?id=18326>

6- <http://lettresperses.free.fr/LP/>

7- <http://www.sens-public.org/spip.php?article715>

8- « Les formes poétiques persanes », Mahnâz Rezaï, N° 26, janvier 2008, revue de Téhéran (<http://www.teheran.ir/spip.php?article64>)

فرم‌های شعری در اشعار ایران مهناز رضایی، مجله تهران شماره ۲۶ ژانویه ۲۰۰۸

9- « Reflet de la poésie de guerre dans la poésie persane » par Dr. Ahmad Karimi, membre du coprs professoral de l'université Azad Islamique.
(<http://www.navideshahed.com/fa/index.php?Page=definition&UID=35229>)

انعکاس ادبیات جنگ در شعر فارسی ایران، دکتر احمد کریمی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

10- « Crise littéraire dans la littérature persane », par « zeynab Kazemkhah », (2010) – <http://www.khabaronline.ir/news-111665.aspx>.

بحران ادبی در ادبیات ایران نوشته زینب کاظم خواه (۲۰۱۰)

11- Certaines œuvres littéraires de l'Iran publiées en France.

<http://fars.ifrance.com/lienslivres2.php>

12- « Impact de la guerre imposée sur la littérature poste révolutionnaire en Iran » (2010), par « Behrouze Shabestari » et « Mostapha Kharaman »

تاثیر جنگ بر ادبیات پسا انقلابی ایران نوشته بهروز شبستری و مصطفی خرامان (۲۰۱۰)

<http://www.navideshahed.com/fa/index.php?Page=definition&UID=237855> et

<http://www.mehnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=619822>

13- Histoire de la Nouvelle littéraire en Iran

et <http://www.adabiatdastani.ir/NaratologyHistory.aspx>

<http://www.adabiatdastani.ir/NaratologyHistory.aspx?SHID=25>

سایت ادبیات داستانی ایران

14- « La Révolution Constitutionnelle de 1906 » par « Arefeh Hedjazi » N° 10, septembre 2006 (<http://www.teheran.ir/spip.php?article504>)

انقلاب مشروطه در سال ۱۹۰۶ نوشته عارفه حجازی منتشره در شماره ۱۰ مجله تهران به زبان فرانسه – سپتامبر ۲۰۰۶

15- « Histoire de la littérature persane », LA LITTÉRATURE PERSANE, par Charles-Henri de Fouchécour (Encyclopaedia Universalis).

نگاهی تطبیقی تحلیلی به تفاوت‌ها و شباهت‌های ادبیات ایران و... ❏ ۹۱

(<http://ehess.anglesdelasie.fr/persan/litt-persane-iran/histoire-de-la-litterature-persane.html>)

تاریخ ادبیات فارسی – نوشته شال هانری دو فوشه کور برای دایره المعارف اونیور سالیس

16- « L’histoire de mes lunettes », « Rassoul Parvizi », Traduit par « Mahmoud Goudarzi », N° 05, avril 2006. Revue de Téhéran.

17- « Littérature postrévolutionnaire en Iran », séries d’articles publiés par l’agence de presse Iranienne FARS sur le rôle des femmes iraniennes dans la littérature des années 1980 publiées en (2009, 2010). Ces articles sont consultables dans les sites suivants:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8611140422>,

http://www.sarshar.org/archives/news/post_507.html,

http://www.iran-zanan.com/cultural/cat_8/000398.php,

http://www.iran-zanan.com/cultural/cat_8/000402.php

18- « Impact de la révolution islamique sur les activités littéraires des femmes iraniennes » par « Zahra Mousavi » et d’autres, (2009 et 2010) une série d’articles publiés sur les sites suivants:

مجموعه‌ای از مقالات منتشره در باره ادبیات انقلاب اسلامی ایران نوشته زهرا موسوی و همکاران در سال ۲۰۰۹ که در سایت‌های زیر منتشر شده‌اند.

<http://www.ensani.ir/fa/content/43401/default.aspx>

<http://books.chn.ir>

<http://www.niksalehi.com/adabiat/archives/109896.php>

<http://www.ido.ir/a.aspx?a=1389071310>

<http://nosratdarvishi.com/article.aspx?id=855>

19- « Perspective: cinéma iranien: après la révolution: le cinéma iranien aujourd’hui » Miriam Rosen, Ciné-Bulles, vol. 13, n° 4, 1994, p. 20-25.

(<http://id.erudit.org/iderudit/33869ac>)

چشم انداز سینمای ایران بعد از انقلاب اسلامی – نوشته مریم روزن منتشره در جلد سیزدهم مجله «سینه بول» در فرانسه شماره ۴ سال ۱۹۹۴ صفحات ۲۰ تا ۲۵

20- « La poésie des femmes iraniennes » par « Maryam Ramezani et Fatemeh Bagher Pananhi » (2009). (<http://class-211.blogfa.com/post-54.aspx>)

شعر زنان انقلاب اسلامی نوشته مریم رضانی و فاطمه باقر پناهی (سال ۲۰۰۹)

21- « Une introduction sur Ali Mohammad Afghani », (2009),

<http://www.khabaronline.ir/news-118957.aspx>

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال سوم از دوره جدید ❖ شماره ۹

22- « Une introduction sur la poésie de la révolution islamique » par « Iradj Ghanbari » (année?). www.resalat-news.com et <http://noorportal.net/1/67/68/25393.aspx>

مقدمه‌ای بر شعر انقلاب اسلامی نوشته ایرج قنبری

23- « présentation de « Ebrahim Hassan Beyghi », nouvelliste iranien, (2009) <http://bookroom.ir/part.printable/id,147/lang,fa/>

معرفی «ابراهیم حسن بیگی» داستان‌نویس ایرانی

24- « La poésie persane avant et après la Révolution islamique(I) (II) », Shams Langaroudi, Traduit du persan par « Sara Saïdi Boroudjeni » pour la Revue de Téhéran, (juin 2007), (<http://www.teheran.ir/spip.php?article533>)

شعر ایران در فضای قبل از انقلاب اسلامی – مقاله شمس لنگرودی منتشره در مجله فرانسوی زبان «مجله تهران» مترجم سارا سعیدی بجنوردی (۲۰۰۷)

25- « La voie de l'Amour, Poèmes spirituels de l'Imam Khomeiny », par « Yahya Christian Bonaud » juin 2010 (<http://www.teheran.ir/spip.php?article1200>)

طریق عشق – نگاهی به اندیشه‌های عرفانی امام خمینی – یحیی کریستیان بونو- ژوئن ۲۰۱۰ منتشره در نشریه فرانسه زبان «مجله تهران»